

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی- پژوهشی)
سال چهارم، شماره (۱۴)، تابستان ۱۳۹۴، صص ۱۲۱-۱۴۲

بررسی فرایند گذار به دموکراسی در تونس

* حسن مجیدی

استادیار دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

محسن رحیمی نیا

دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

چکیده

شاید بتوان گفت تحولات اخیر در جهان عرب که با نام‌گذاری‌های مختلف معنا و مضمون متفاوتی پیدا کرد، تنها در کشور تونس در شکل گذار نسبی به دموکراسی، موفقیت مردم این کشور را در فروپاشی رژیم غیردموکراتیک به نمایش گذاشت. بازگشت اقتدارگرایی نظامی در مصر، رقابت‌ها و منازعات سیاسی و نظامی در لیبی و یمن در وضعیتی است که تونس اولین و تنها کشوری است که مرحله گذار به دموکراسی را با افت‌وخیز تجربه کرده است. گذار به دموکراسی سه مرحله دارد: اول، زمینه‌های فروپاشی نظام غیردموکراتیک؛ دوم، استقرار دموکراسی و دوران پس از فروپاشی (دموکراسی حداقلی)؛ و سوم، تحکیم و تثبیت دموکراسی (دموکراسی حداکثری). در این مقاله ابتدا زمینه‌ها و عوامل گذار به دموکراسی در دو سطح ساختار سیاسی یا حکومت و ساختار اجتماعی و جامعه بررسی می‌شود. سپس به تبیین و تحلیل تحولات در دوران استقرار دموکراسی و شرایط دموکراسی حداقلی پرداخته شده و در پایان، روند تحولات دموکراسی پس از استقرار و شروع تحکیم و تثبیت در تونس بررسی شده است. پرسش اساسی این مقاله این است که زمینه‌ها و عوامل فروپاشی رژیم غیردموکراتیک و گذار تونس به دموکراسی حداقلی چیست؟ مفروض مقاله حاضر این است که با نظریه‌های گذار به دموکراسی می‌توان تحولات سال‌های اخیر تونس را تشریح کرد. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد تونس با فروپاشی نظام غیردموکراتیک و استقرار دموکراسی حداقلی توانسته است به سمت تثبیت، قدم بردارد و همراهی ارزش‌های اسلامی و دموکراتیک در قانون اساسی جدید تونس، راه بازگشت اقتدارگرایی از نوع سکولار یا مدعی دین را مسدود کرده است. تصویب قانون اساسی دموکراتیک، انتخاب اعضای پارلمان و ریاست جمهوری بر مبنای این قانون، نفی دخالت نظامیان در سیاست و برابری حقوق زن و مرد از جمله نشانه‌های توفیق نسبی تونس در گذار به دموکراسی حداقلی است.

واژگان کلیدی: تونس، گذار به دموکراسی، بن علی، دموکراسی حداقلی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۹/۷ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۳/۲۳

مقدمه

رویش تحولات جدید در منطقه که با عنوان‌های بیداری اسلامی، بهار عربی، موج چهارم انقلاب‌ها و اسامی دیگر مشهور شد؛ بیانگر تغییر ساختارها و شکل‌گیری جغرافیای سیاسی جدیدی است که مناسبات جدیدی را در منطقه و معادلات جهانی ایجاد می‌کند. از جمله کشورهایی که در این برهه تغییر ساختار و روند دموکراتیزاسیون را با موفقیت نسبی تجربه کرد؛ کشور تونس است که آغازگر موج جدید تحولات در جهان عرب از سال ۲۰۰۹ تاکنون به شمار می‌آید. رژیم اقتدارگرای زین‌العابدین بن علی در دسته نظام‌های غیردموکراتیک تک‌حزبی با رقابت محدود بود. از جمله ویژگی‌های حکومت بن علی می‌توان به سرکوب مخالفان سیاسی، فقدان آزادی بیان، کنترل گسترده دولت بر رسانه‌های ارتباطی و خشونت پلیس در سرکوب مخالفان اشاره کرد. (Alexander, 2010: 36) نتایج نظرسنجی مؤسسه پیو در بهار سال ۲۰۱۲ نیز نشان داد که مردم تونس خواهان پیوند میان ارزش‌های اسلامی و دموکراسی هستند بر پایه این نظرسنجی به باور ۸۴ درصد پرسش‌شوندگان تونسی، اسلام نقش مهمی در سیاست ایفا می‌کند. ۶۴ درصد آنان خواستار تابعیت قوانین تونس از موازین اسلام بودند؛ درعین حال، ۶۵ درصد مردم تونس نگران افراط‌گرایی اسلامی بوده، ۶۳ درصد آنان نظر منفی نسبت به القاعده داشتند. در این نظرسنجی ۶۳ درصد مردم تونس علاقه‌مند به دموکراسی بوده، ۶۹ درصد به آن خوش‌بین هستند. ۶۱ درصد مردم تونس دموکراسی را بهتر از رهبر اقتدارگرا می‌دانستند. ۷۴ درصد آنان خواهان برابری حقوق زن و مرد بودند. نکته قابل‌تأمل آن است که با وجود دموکراسی‌خواهی مردم تونس، ۵۹ درصد آنان بر پایه این نظرسنجی، اقتصاد قوی را بر دموکراسی ترجیح می‌دهند. حال آنکه فقط ۴۰ درصد دموکراسی را بر اقتصاد قوی برتر دانسته‌اند. (www.pewforum.org/files/2012/08) نتایج این نظرسنجی بعد از سقوط بن علی نشان می‌دهد که هم دموکراسی هم رفاه اقتصادی و کارآمدی در این عرصه و هم اسلام سیاسی از جمله تمایلات و گرایش‌های اصلی مردم تونس در سال‌های اخیر بوده است. واقعیتی که در این مقاله نیز به اثبات می‌رسد.

این مقاله با روش اسنادی با رویکرد مطالعه موردی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی درصدد است با پاسخ به این پرسش‌ها روند گذار به دموکراسی حداقلی را در تونس بررسی کند؛ عوامل و زمینه‌های فروپاشی نظام غیردموکراتیک در تونس چیست؟ تحولات پس از فروپاشی حکومت غیردموکراتیک تونس، یعنی دوران استقرار دموکراسی (حداقلی) با ملاک‌های معین همچون: انتخابات و مشارکت سیاسی، قانون اساسی، شکل‌گیری دولت موقت و سازمان‌دهی اولیه و غیره چگونه تبیین می‌شود؟

فرض ما در این پژوهش بر آن است که برخلاف دیگر تحولات دیگر کشورهای خاورمیانه در سالیان اخیر (که شاید بر مبنای دموکراتیزاسیون نتوان تحلیل مناسبی از این تحولات به دست داد) رویدادهای سال‌های اخیر تونس با این الگو قابل تحلیل است. (عظیمی دولت‌آبادی، شجاعی زند و موثقی، ۱۳۹۳: ۱۵) بنابراین برخلاف نظر برخی منتقدان در نارسا تلقی کردن چهارچوب نظری گذار به دموکراسی برای تحلیل تحولات اخیر جهان عرب، نگارندگان این مقاله معتقدند گذار به دموکراسی قابل انطباق بر این تحولات است و حداقل مورد تونس مثال مناسبی بر تأیید این مدعاست.

در این مسیر، شکل‌گیری بحران‌هایی در سطح دولت و تحولاتی در سطح جامعه در کشور تونس سبب تجمیع و تکوین گروه‌های مختلف ضد رژیم حاکم غیردموکراتیک بن علی و مهیا شدن زمینه برای تشکیل یک حکومت دموکراتیک شده است. در مرحله دوم، کشور تونس با شکل‌گیری انتخابات و تدوین قانون اساسی گامی در استقرار دموکراسی برداشت. تشکیل دولت بر مبنای قانون اساسی، مهم‌ترین مرحله استقرار دموکراسی حداقلی است که اکنون تونس در این مرحله قرار دارد و در مرحله تحکیم، مهم‌ترین نقش را احزاب و جامعه مدنی تونس ایفا می‌کنند. حال باید دید تونس با عبرت گرفتن از بازگشت نظامیان در مصر و زوال دولت مرسى، آیا مرحله تحکیم دموکراسی را خواهد پیمود یا اینکه تنها مورد توفیق نسبی به مردم‌سالاری، در تحولات اخیر جهان عرب نیز ناکام خواهد ماند.

۱. چهارچوب نظری: گذار به دموکراسی

مبحث گذار به دموکراسی یا دموکراتیزاسیون که امروزه به یکی از زیرشاخه‌های علم سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی تبدیل شده است، یکی از دغدغه‌های اصلی تحلیل‌گران عرصه سیاست به شمار می‌رود. موضوع اصلی این مباحث و نظریات، فرایند انتقال از رژیم‌های غیردموکراتیک به رژیم‌های دموکراتیک است و تمرکز ویژه آن بر دوره‌ای است که از فروپاشی و ازهم‌گسیختگی رژیم آغاز تا تأسیس رژیم دموکراتیک بعدی به طول می‌انجامد. فرایند گذار به دموکراسی در واقع از سه بخش یا مرحله جداگانه تشکیل می‌شود: اول فروپاشی رژیم غیردموکراتیک؛ دوم گذار و شکل‌گیری رژیم دموکراتیک؛ و سوم تحکیم و استقرار آن؛ در واقع، مرحله فروپاشی رژیم غیردموکراتیک و علل آن نیمی از راه گذار به دموکراسی است.

- فروپاشی رژیم حاکم «Regime breakdown» فرآیندی است که معمولاً با ترکیبی از بحران‌های عمیق، به‌ویژه بحران اقتصادی و سیاسی همراه است و به تضعیف و حتی تجزیه رژیم خودکامه می‌انجامد. بحران سیاسی به تعمیق شکاف‌های درون رژیم انجامیده، از کارایی نظام سیاسی به شدت می‌کاهد تا به فروپاشی آن می‌انجامد.

- استقرار دموکراسی، دربرگیرنده فرایند فاصله‌گیری از ساختارها و پویس‌های سیاسی کهن و روی‌آوری به عناصری نو در یک قالب جدید دموکراتیک است. این مرحله می‌تواند دموکراسی حداقلی را شامل شود. دموکراسی حداقلی، مفهومی سیاسی است، یعنی در عرصه سیاست و روابط قدرت نمودار می‌شود، درحالی‌که دموکراسی حداکثری مفهومی فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است که در آن باید آزادی‌ها و حقوق مدنی و عمومی و عدالت اجتماعی از پشتوانه لازم برخوردار شوند. (بشیریه ۱۳۸۷: ۱۲) درواقع، این وضعیت با تحکیم دموکراسی حاصل می‌شود.

- تحکیم «consolidation» دموکراتیک که درواقع همان ریشه دواندن و مستقر شدن ساختاری و تقویت فرهنگی مناسبات دموکراتیک است که محتاج زمان بس طولانی‌تری است. به دلیل گستردگی و پیچیده بودن حوزه گذار به دموکراسی، تا به حال نظریه‌ای که فرایند دموکراسی را به صورت جامع که سه فرایند فروپاشی، استقرار و تثبیت را توضیح داده باشد، ارائه نشده است.

۱-۱. مرحله فروپاشی نظام غیردموکراتیک

در پژوهش حاضر در ارتباط با زمینه‌های گذار به دموکراسی، بحران‌هایی در دو سطح دولت و جامعه وجود دارند که مرحله گام اول گذار، یعنی فروپاشی نظام غیردموکراتیک را تشکیل می‌دهند. همچنین لازم به ذکر است که هریک از این بحران‌ها در سطح دولت و جامعه دارای متغیرهایی هستند که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر عمیق‌تر شدن بحران‌های نظام حاکم در کشور تونس اثرگذار بوده‌اند. به بیان دیگر، باید بحران‌هایی در نظام غیردموکراتیک باشد و ظرفیت‌هایی نیز در جریان دموکراسی خواه باشد تا با فروپاشی رژیم غیردموکراتیک، زمینه گذار فراهم شود. این دوگانه جامعه و دولت را محققان دیگری به فرادستان و شهروندان تقسیم کرده‌اند. شهروندان در شرایط دموکراسی، قدرت سیاسی عملی و نه قدرت سیاسی قانونی دارند. در غیردموکراسی‌ها فرادستان، قدرت سیاسی قانونی را به انحصار خود درآورده‌اند، اما ضرورتاً قدرت سیاسی عملی در اختیار آن‌ها نیست. (عجم‌اوغلو و رابینسن، ۱۳۹۰: ۶۱) معمولاً دموکراسی را فرادستان به جامعه نمی‌دهند، زیرا در این صورت ارزش‌های آنان تغییر می‌کند. این اقشار محروم از حق هستند که دموکراسی را راهی برای کسب قدرت سیاسی و روشی برای تضمین سهمی بیشتر از منافع اقتصادی موجود در نظام مطالبه می‌کنند. (عجم‌اوغلو و رابینسن، ۱۳۹۰: ۶۷) بنابراین، عوامل فروپاشی نظام غیردموکراتیک را می‌توان به صورت این معادله ترسیم کرد:

عوامل فروپاشی رژیم غیردموکراتیک: بحران‌های نظام غیردموکراتیک: (بحران سلطه، بحران مشروعیت، بحران کارآمدی و توزیع + بحران همبستگی و هویت) + توانمندی‌ها و زمینه‌های

جریان دموکراسی خواه: (ایدئولوژی + رهبری + سازمان دهی + نارضایتی). (بشیریه ۱۳۸۷: ۹۵)

بحران های رژیم غیردموکراتیک

بحران سلطه: حکومت، سازمانی است که بر وسایل اجبار و سرکوب سلطه متمرکز و انحصار دارد؛ از همین رو، میزان تمایل و توانایی آن در سرکوب مخالفت و مقاومت عامل بسیار مهمی در فروپاشی یا استمرار رژیم های غیردموکراتیک به شمار می آید. بحران سلطه و استیلا در رژیم ها به دلایل متفاوتی به وجود می آیند: بروز اختلاف نظر در میزان و شیوه کاربرد نیروهای نظامی و انتظامی در مواجهه با بحران میان هیئت حاکم؛ پیدایش اختلاف و چنددستگی اجتماعی میان خود نیروهای مسلح؛ تضعیف نیروهای مسلح در نتیجه عواملی چون حمله خارجی یا وقوع جنگ؛ گرایش بخشی از هیئت حاکم به مدارا و تساهل سیاسی. (بشیریه، ۱۳۸۴: ۶۵) بحران کارآمدی: یکی از اهداف اصلی رژیم های سیاسی، تنظیم زندگی اقتصادی برای دستیابی به رفاه اجتماعی از طریق تأمین و تضمین رشد اقتصادی و تثبیت اقتصادی یا حفظ قدرت خرید مردم و تأمین اشتغال و توزیع عادلانه منابع اقتصادی است. دولت موظف است این اهداف را دنبال کند؛ بنابراین، اختلال در هر یک از این اهداف ممکن است به کارایی دولت لطمه بزند. البته عوامل تصادفی دیگری مثل کاهش ناگهانی درآمدهای دولتی، نوسان شدید در بازارهای جهانی، وقوع حوادثی مانند جنگ و زلزله و غیره ممکن است بر کارایی رژیم های سیاسی تأثیر بگذارد. (بروکر، ۱۳۸۳: ۱۸-۲۲) این دو عامل، زمینه اصلی را برای تحقق بحران بزرگ تر مشروعیت فراهم می آورند. این امر ممکن است به ایجاد شکاف در میان هیئت حاکم منجر شود. اینکه بخشی از نخبگان و رژیم حاکم با جریان دموکراسی خواه همراه شود یا بخشی از دستگاه نظامی و سرکوب از همراهی با رژیم برای سرکوب دموکراسی خواهان سرباز زند، ممکن است به شکاف در رژیم غیردموکراتیک منجر شود.

زمینه ها و ظرفیت های جریان دموکراسی خواه

نارضایتی که زمینه اجتماعی سازمان دهی مقاومت در برابر رژیم های غیردموکراتیک را تشکیل می دهد، درجات و تنوع بسیاری دارد؛ مانند نارضایتی ها از سیاست های غلط اقتصادی و سیاسی که باعث شکاف طبقاتی و افزایش آن ها و اختلاف منابع طبقاتی و افزایش آگاهی نسبت به آن ها می شود. همچنین ضعف در سازوکار چرخش نخبگان سیاسی، انسداد مجاری تحرکات اجتماعی و سیاسی از دیگر موارد به شمار می روند، به میزانی که دولت از کارآمدی و کارویژه های اصلی خود در حیطه اقتصاد و سیاست فاصله بگیرد، موجب فشارهای متعدد و اختلال در ساختار اجتماعی می شود و نارضایتی جامعه را به دنبال دارد. دلایل افزایش

نارضایتی‌ها: افزایش توقعات بدون اینکه امکانات افزایش یابد؛ کاهش امکانات (رکود، بیکاری، کاهش دستمزد، افزایش قیمت‌ها)؛ رکود ناگهانی در طول یک دوره؛ افزایش امکانات و موادی از این دست است، اما آنچه این روند نارضایتی را تشدید می‌کند زندگی کردن تحت سلطه یک حکومت توتالیتر است. (بشیریه، ۱۳۷۴: ۶۶ و ۶۷)

سازمان‌دهی و بسیج منابع گروه‌های مخالف و مقاوم و شکل‌گیری آن‌ها در درون سازمان‌دهی سیاسی، از عوامل مهم عینی‌ساختن نارضایتی‌ها در مقابل رژیم غیردموکراتیک است؛ در واقع، جنبش‌های مخالف و مقاوم در برابر رژیم‌های غیردموکراتیک، کارویژه عمده‌ای بر عهده‌دارند، زیرا اهداف اصلی جنبش و چشم‌اندازهای آینده را روشن می‌کنند؛ نظریه‌ها و اندیشه‌های لازم را برای ادامه جنبش و ائتلاف نیروها به دست می‌دهند؛ شعارهای لازم را برای بسیج توده‌های مردم مطرح می‌کنند و دورنمایی را از رژیم آینده ترسیم می‌کنند. توده‌های مردم ممکن است انقلابی راه بیندازند و رژیم غیردموکراتیک را سرنگون کنند، اما تنها رهبران و نخبگان سیاسی جدید هستند که می‌توانند با روش‌ها، پیمان‌ها و شیوه رهبری خود به جای برقراری رژیم غیردموکراتیک دیگری، نظامی دموکراتیک را تدارک ببینند. (بروکر، ۱۳۸۳: ۱۸ - ۲۲)

ایدئولوژی مقاومت: پیدایش ایدئولوژی کم‌وبیش روشن و یکپارچه‌ای برای مقاومت و مخالفت در برابر رژیم‌های غیردموکراتیک برای توجه به دلایل عدم مطلوبیت و نارسایی رژیم موجود و مطلوبیت نظامی دیگر، ضرورت دارد. زمانی احتمال گذار به دموکراسی قوی‌تر می‌شود که ایدئولوژی مقاومت، اساس دموکراتیک بوده، بتواند به‌عنوان رقیبی نیرومند در مقابل رژیم خودنمایی کند. البته باید تدارک فرهنگی و ایدئولوژی دموکراتیکی قبل از فروپاشی شکل‌گرفته باشد تا افق روشنی برای ادامه راه پس از فروپاشی پیش چشم توده‌ها قرار دهد. (بشیریه، ۱۳۸۴: ۷۰)

۱-۲. مرحله استقرار

این مرحله پس از فروپاشی نظام غیردموکراتیک شروع شده، دوره عطف گذار تلقی می‌شود، زیرا عرصه تصمیم‌گیری و نمایش عملی و واقعی برای جنبش‌های اجتماعی و کنشگران مخالف حکومت برای نشان دادن ایدئولوژی و الگوی جدید حکومت است. از شاخصه‌ها و ملاک‌های مرحله استقرار دموکراسی، شکل‌گیری دولت مردم‌سالار از طریق انتخابات آزاد و عادلانه، تلاش برای ریشه‌کن کردن بقایای رژیم سابق در حوزه بروکراسی و ساختاری دولت، ایجاد وفاق و وحدت ملی، عزم جدی کارگزاران جدید برای استقرار دموکراسی، معرفی الگوی حکومت جدید و مشخص شدن جایگاه جنبش‌ها و احزاب در این حکومت، پذیرش دولت و حکومت جدید در عرصه بین‌المللی و جامعه جهانی، تدوین قانون اساسی جدید با معیارهای مردم‌سالاری و غیره است.

۳-۱. مرحله تحکیم

تعاریف متعددی برای دموکراسی تحکیم شده وجود دارد. دایاموند و لیپست سه شرط برای دموکراسی تحکیم شده قائل هستند: رقابت معنادار برای مقامات مهم دولتی، مشارکت زیاد مردم در انتخاب رهبران از طریق انتخابات منظم و منصفانه؛ و تضمین آزادی‌های سیاسی و مدنی مردم. (فاضلی، ۱۳۸۹: ۱۴) در مقابل، شاخصه‌های دموکراسی تحکیم نشده عبارت‌اند از: وتوی تصمیمات مهمی که با انتخاب و رأی مردم گرفته می‌شود؛ قبضه قدرت توسط نیروهای غیردموکراتیک و استقرار نظام اقتدارگرای جدید برای حذف نیروهای دموکراسی خواه. (فاضلی، ۱۳۸۹: ۱۵) این مقاله زمینه‌ها و علل فروپاشی رژیم غیردموکراتیک تونس را به دودسته زمینه‌ها و عوامل معطوف به ساخت قدرت و علل و زمینه‌های معطوف به ساخت اجتماع تقسیم کرده است.

۲. زمینه‌ها و عوامل معطوف به ساخت قدرت

الف- بحران مشروعیت

عواملی که موجب تزلزل در پایه‌های حکومت بن علی و مشروعیت نظام تونس شد، به شرح زیر است:

یک- نظام بسته حکومتی و ابهام در قانون گذاری

نحوه روی کار آمدن بن علی به شکل کودتا و نه از طریق انتخاب مردم، اولین نشانه بحران مشروعیت بود. وی در هفتم نوامبر سال ۱۹۷۸ میلادی با کنار زدن حبیب بورقبیه از ریاست جمهوری به بهانه ناتوانی وی در اداره امور، خود را رئیس‌جمهور جدید تونس خواند. او سعی کرد در سال‌های ابتدایی ریاست جمهوری، نبود مشروعیت را با انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی تا حدودی جبران کند، هرچند این راهبرد چندان دوام نیاورد.

در نظام اقتدارگرایی بن علی، وی کابینه، نخست‌وزیر، حاکمان مناطق و رئیس سازمان رسمی نظارت بر انتخابات را تعیین می‌کرد. افزون بر این، در آخرین اصلاحات قانون اساسی که در سال ۲۰۰۲ به فراندوم گذاشته شد، محدودیت سه دوره‌ای نامزدی برای ریاست جمهوری لغو شد و حداکثر سن نامزدهای ریاست جمهوری از ۷۰ سال به ۷۵ سال افزایش یافت. این اصلاحات به‌وضوح برای بقای حکومت در دستان بن علی انجام شد. ([www. freedom house.org](http://www.freedomhouse.org), 23. jan.2011)

نظام سیاسی بسته تونس از سال ۲۰۰۲ به بهانه حمایت تونس از جنگ علیه تروریسم بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بسته‌تر هم شد. در چنین وضعیتی، رسانه‌های مستقل، روزنامه‌نگاران و

وبلاگ‌نویسانی که انتقاداتی متوجه دولت می‌کردند، سرکوب و شکنجه و از کار خود اخراج و با ممنوعیت خروج از کشور مواجه شدند. در سال ۲۰۱۰، کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران، تونس را از جمله ۱۰ کشور ناامن جهان برای وبلاگ‌نویسان رتبه‌بندی کرد. (ذوالفقاری، ۱۳۹۰: ۲۰)

دوم - اقتدارگرایی تک‌حزبی

چنین شکل حکمرانی زمانی است که در یک نظام سیاسی یک حزب پیشتاز در چهارچوب فعالیت‌های چندحزبی با حفظ فاصله میان خود و سایر احزاب بر همه جنبه‌های فعالیت سیاسی حاکمیت داشته باشد و با استفاده از امکانات و ابزارهای موجود تمام تلاش خود را برای جلوگیری از فعال شدن سایر احزاب به کار ببرد. (مسعودنیا، ۱۳۹۱: ۱۶۸) در نظام بسته تونس ما شاهد احزاب قانونی ناکارآمدی بودیم که قدرت رقابت در فضای امنیتی تونس را نداشتند و نظام به احزاب قدرتمند و باسابقه اجازه فعالیت نمی‌داد. اکثریت نمایندگان پارلمان در تونس از طرفداران بن علی بودند که پارلمان را به نهادی کاملاً فرمایشی تبدیل کرده بودند. حزب «گردهمایی قانونی» به‌عنوان حزب قدرتمند تونس کاملاً حکومتی و ابزاری در دست بن علی برای انجام خواسته‌های غیرمشروع سیاسی بود و حزب مخالفی مثل حزب النهضه که یکی از ریشه‌دارترین احزاب تونس بوده است با تبعید رهبر آن راشد الغنوشی عملاً از صحنه خارج شده بود.

سوم - دین‌گرایی و اسلام‌ستیزی

از دیگر زمینه‌های از بین بردن مشروعیت حکومت دیکتاتور تونس، دین‌گرایی و سکولاریزه کردن حکومت بود. اگرچه بن علی در ظاهر با اسلام مشکلی نداشت، اما عملاً از اسلامی حمایت می‌کرد که در چهارچوب عقاید فردی باشد. یکی از اقدامات وی مبارزه با پوشش اسلامی و حجاب بود. وزارت امور زنان دولت بن علی، حجاب را در برخی نهادها و مراکز از جمله مراکز آموزشی ممنوع کرد و از ورود زنان محجبه به دانشگاه‌ها و مراکز دولتی جلوگیری شد و حتی نیروهای امنیتی با این افراد برخورد نامناسبی داشتند که سبب برافروختن خشم مردم مسلمان نیز می‌شد. (شکری هبه، ۲۰۱۱، www.tunisalmostima.com) این حرکت دولت بن علی در تضاد با قانون اساسی تونس بود که هر قانونی مبنی بر منع حجاب را رد می‌کند. دوم؛ از دیگر فعالیت‌های اسلام‌ستیزی وی، ممنوعیت پخش اذان از رادیو و تلویزیون و مناره‌های مساجد به بهانه ایجاد آلودگی صوتی و نیز منع برگزاری نماز جماعت در اماکن عمومی بود که تأثیر زیادی در ایجاد نارضایتی مردم نسبت به دولت داشت. بعلاوه، نظام تونس با به خدمت گرفتن چپ‌های تندرو، به‌خصوص گروه آفاق در بخش‌های مختلف مانند وزارت

فرهنگ و وزارت آموزش و پرورش، به صورت علنی به مبارزه با اسلام‌گرایی پرداخت. (مرکز الاستشارات و البحوث، ۱۳۸۸: ۸۵ - ۹۲)

چهارم - پیروی از سیاست امریکا و اسرائیل

یکی از عواملی که مشروعیت زدا و موجب نارضایتی عمومی شد، تبعیت نظام بن علی از قدرت‌های خارجی در سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها بود. تماس‌های غیررسمی و محتاطانه‌ای دولت‌مردان تونس با اسرائیل از زمان بورقبیه تا دوران بن علی ادامه داشت و وی هم سیاست تساهل با رژیم صهیونیستی را ادامه داد. در سال ۱۹۸۸ و در نتیجه پذیرش قطعنامه ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت از سوی یاسر عرفات، مذاکرات مستقیم میان امریکا به‌عنوان حامی دولت اسرائیل و سازمان آزادی‌بخش فلسطین در تونس آغاز شد و بن علی زمینه دیدارهای مستقیم میان طرفین را فراهم کرد و حتی نقش مهمی در برگزاری کنفرانس صلح مادرید در ۱۹۹۱ داشت. (برزگر، ۱۳۸۱: ۶۷-۶۸)

در آوریل ۱۹۹۶ رژیم صهیونیستی و تونس دفتر حافظ منافع در پایتخت‌های یکدیگر افتتاح کردند. اگرچه رابطه میان طرفین در سال‌های ۲۰۰۰ به دلیل شروع انتفاضه فلسطینیان و اقدام سرکوبگرانه اسرائیل به سردی گرایید، ولی همچنان روابط طرفین به صورت غیررسمی در حوزه تجارت و توریسم ادامه داشت. (صبری، ۱۳۸۸: ۱۷۳) تا اینکه با استقبال گرم بن علی از شالوم، معاون نخست‌وزیر اسرائیل در سال ۲۰۰۵، این مناسبات گرم به حالت سابق بازگشت و تا فرار بن علی ادامه داشت. از دیگر نموده‌های تبعیت دولت بن علی از قدرت خارجی در حوزه‌های امنیتی و نظامی است. سیستم امنیتی و نظامی تونس وابستگی ساختاری به فرانسه دارد و به حمایت‌های آموزشی و لجستیکی از امریکا متکی بوده است. (مرکز الاستشارات و البحوث، ۱۳۸۷: ۸۳) حتی بارها نیروهای تونسی در برنامه‌های نظامی غرب از جمله مانورهای ناتو و همچنین مانورهای مشترک با امریکا عمدتاً ذیل عنوان مبارزه با تروریسم، شرکت می‌کردند. (مرکز الاستشارات و البحوث، ۱۳۸۷: ۸۵-۹۷)

ب- بحران سلطه و استیلا

بحران در نقش‌آفرینی ارتش تونس در قبال مردم انقلابی، نقش عمده در تسریع روند گذار داشت. در سه هفته نخست اعتراضات، سرکوب مردم طبق دستور بن علی بر عهده نیروهای امنیتی و اطلاعاتی (استخبارات) بود که به دلیل کشته شدن عده‌ای از معترضان و شدت گرفتن اعتراضات، بن علی از ارتش خواست که وارد صحنه شود. بن علی با فراخواندن ارتش به خیابان‌ها کمک شایانی به پیروزی معترضان کرد. (مرکز الجزیره لدراسات، ۲۰۱۱) زیرا ارتش نه تنها اقدامی برای سرکوب مردم نکرد بلکه در مواردی مانع و حائل میان معترضان و نیروهای

امنیتی هم شد. بن علی طی جلسه‌ای در ۱۳ ژانویه با فرمانده ارتش از وی خواسته بود که یا اقدام به سرکوب کند و یا استعفا دهد که فرمانده ارتش از این عمل سرباز زد و این باعث شده بود که سلطه و نفوذ حکومت برای مدیریت این بحران کاهش یابد. ارتش تونس برای کنترل اوضاع و جلوگیری از سقوط کامل نظام حکومتی، بن علی را قربانی کرد. در حین اعتراضات ارتش خود را حامی انقلابیون معرفی کرد و خود را در صف انقلابیون قرار داد که این عمل موجب بحران استیلا و نفوذ در ساختار حکومتی تونس در مواجهه با شورش‌ها شد.

ج- بحران کارآمدی و توزیع

از منظر شاخص‌های اقتصادی باید اذعان کرد که تونس پیشرفت فراوانی در دوران اصلاح‌گرایانه اقتصادی بن علی داشت. خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، مشوق‌هایی برای بخش خصوصی قطع یارانه‌ها و هزینه‌های دولتی که در گذشته بخش مهمی از بودجه‌های دولت را تشکیل می‌داد، از آن جمله است، اما نگاهی دقیق چالش‌های عمده را مشخص می‌سازد؛ در واقع، اصلاحات بن علی موجب نابرابری‌های اقتصادی شدید و شکاف طبقاتی شد و این اصلاحات بیشتر به طبقات بالای جامعه و مناطق ساحلی تونس کمک می‌کرد که از سیاست آزادسازی تجاری و گسترش توریسم بهره زیادی را می‌بردند، اما دیگر مناطق رشد چندانی نکردند. شعله‌ور شدن بحران تونس در پی خودسوزی بوغزیزی در جنوب کشور مؤید این امر است.

د- بحران در همبستگی طبقه حاکم

از مهم‌ترین دلایل شکاف در طبقه حاکم تونس، فساد گسترده، خویشاوندسالاری و محدود کردن نخبگان بود. در گزارشی که سفیر آمریکا در تونس در سال ۲۰۰۶ ارائه کرد، بیش از نیمی از نخبگان تجاری و سیاسی تونس از طریق فرزندان، برادران و سایر بستگان بن علی با او در ارتباط بودند. فساد سیاسی آن‌قدر بالا بود که همسر بن علی به‌راحتی در تعیین کابینه، نخست‌وزیر و وزرا دخالت می‌کرد. سندهایی که ویکی‌لیکس افشا کرده است حاوی اطلاعاتی در مورد فساد خانواده بن علی در تملک اراضی تونس بود. این امر در بروز نارضایتی در میان مردم و ارتش مؤثر بود.

طبق گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی، تونس در سال ۲۰۱۰ از نظر سطح فساد بین ۱۸۰ کشور، رتبه ۵۹ را داشت (Ttransparency International .web page 20.jun.2011). افزون بر فساد که در دستگاه سیاسی حاکم وجود داشت، سکولاریزه کردن حکومت توسط بن علی موجب مخالفت مردم و نخبگان شد.

شکی نیست که بحران‌ها اثر هم‌افزا بر یکدیگر دارند. این بحران‌ها در ساخت سیاسی، در تقویت جریان اجتماعی و دموکراسی خواه زمینه‌ساز بوده است.

۳- علل و زمینه‌های معطوف به ساخت اجتماع

الف - نارضایتی مردم

ناکارآمدی، فساد، وابستگی و شکاف طبقاتی، میزان نارضایتی مردم را دوچندان کرد. رشد بیکاری با وجود رشد نسبی سطح سواد جوانان و آگاهی آن‌ها از وضعیت کشور تناسبی باهم نداشت. از طرفی بحران توزیع منابع وجود داشت، یعنی درآمد سرانه به‌طور عادلانه توزیع نمی‌شد و فقر و بیکاری به‌خصوص در مناطق حاشیه‌ای بیداد می‌کرد. خویشاوندسالاری دستگاه حاکم موجب اعتراض نخبگان شد و چالش عقیدتی رژیم تونس با مردم، یعنی سکولار کردن حکومت از مهم‌ترین دلایل نارضایتی‌ها بود. در ادامه به شرح برخی از این موارد می‌پردازیم.

یکم - چندگانگی هویت

عوامل چندگانگی و تشتت هویت، مواردی چون گسستگی نسل‌ها و تفاوت فرهنگ‌ها، فاصله گرفتن حکومت از آرمان‌ها و شعارهای اولیه و تفاوت ارزش‌های طبقه حاکم با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، نابودی حقوق و آزادی اساسی مردم است. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۲۳)

مهم‌ترین زمینه در بحران هویتی مردم تونس سکولاریزاسیون و بی‌توجهی به فرهنگ و هنجارهای حاکم بر جامعه تونسی بود. سفر توریست‌های اروپایی به تونس نیز در این هویت‌متشتت بی‌تأثیر نبوده است. وابستگی بسیار بالا به قدرت‌های خارجی چون امریکا باعث تحقیر جدی و از بین رفتن عزت و کرامت ملت تونس بوده است. زمینه دیگر بی‌هویتی، گسست نسلی که میان طبقه حاکم با جوانان و نخبگان غیرحاکم وجود داشت. این امر به‌خصوص در شکل‌گیری جنبش‌های توده‌ای با بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی در تونس و مصر نقش جدی داشته است. نقش محوری جوانان در این جنبش‌ها از این حیث اهمیت دارد.

دوم - شکاف طبقاتی

یکی از دلایل نارضایتی مردم شکاف طبقاتی در نتیجه اصلاحات بن علی بود. اصلاحات اقتصادی سبب شده بود تا ۸۰ درصد سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی‌سازی در مناطق ساحلی، شمالی و شرقی شکل گیرد، درحالی‌که استان‌های داخلی غرب و جنوب با کمبود سرمایه‌گذاری و خدمات و مشاغل روبه‌رو بودند. فاصله فقرا و ثروتمندان در تونس نیز زیاد بوده است. بر اساس آمار سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ سازمان ملل متحد، دهک بالایی جامعه ۱۳ برابر

دهک پایینی جامعه درآمد دارند و این یعنی که در سالیان متمادی در تونس، ما شاهد تبعیض و شکاف طبقاتی گسترده بوده‌ایم. (جلال امین، ۲۰۱۱)

سوم- بحران بیکاری

همچنان که گذشت، در سایه توجه گسترده نظام به آموزش و تخصیص بودجه‌های آموزشی بالا، درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های تونس در مقایسه با کشورهای منطقه بسیار فراوان است و این کشور واجد یکی از باسوادترین جمعیت‌های جوان منطقه است. برای نمونه، نسبت کلی پیوستن به آموزش دانشگاهی در سال ۲۰۰۷ به بیش از ۳۰ درصد رسید. (۲۰۱۱: فیبرایر ۲۹، www.afaegypt.org) در همان سال، بودجه آموزشی تونس ۲۰/۸ درصد کل بودجه کشور را تشکیل می‌داد. باین‌حال، رشد سواد تونس‌ها هیچ تناسبی با بازار کار و نیازمندی‌های انسانی اقتصاد این کشور نداشت. طبق گزارش ۲۰۰۹ برنامه توسعه انسانی ملل متحد، در سال ۲۰۰۵-۲۰۰۶ میزان بیکاری در تونس ۲۷ درصد بود که از این تعداد حدود ۶۵ درصد را جوان تشکیل می‌دادند. طبق این گزارش، متوسط میزان بیکاری از ۱۳/۶ درصد در دهه ۱۹۸۰، به ۱۵/۵ درصد در دهه ۱۹۹۰ و سپس به ۲۷ درصد در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ افزایش یافته است. (undp, arab human Development report: 2009, p.109) میزان بالای بیکاری جوانان تحصیل‌کرده زمینه بروز تظاهرات و شورش‌هایی را علیه نظام بن علی فراهم می‌کرد.

ب- افزایش توان سازمان‌دهی جریان دموکراسی خواه

با توجه به اینکه در حکومت بن علی بسیاری از احزاب منحل شد و به شدت صدای مخالف سرکوب می‌شد، تقریباً هیچ حزبی در ابتدا در ساماندهی به اعتراضات نقش بسزایی نداشته است و حتی حزب النهضه که بیشترین پایگاه اجتماعی را داشت به دلیل دستگیری یا تبعید رهبران، نقش مؤثری نداشت و این جوانان بودند که دست به اعتراض زدند و این جنبش را راه‌اندازی کردند. آنان با استفاده از رسانه‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و توییتر به سازمان‌دهی مردم اقدام کردند. برای مثال، در فاصله میان ۱۸ تا ۲۶ دسامبر ۲۰۱۰، حداقل افرادی که از فیس‌بوک بهره می‌گرفتند، یک میلیون و ۸۲۰ هزار کاربر بوده است که این در کنار جمعیت ۱۰ میلیونی تونس بسیار فراوان است. (مجدی الورفلی، ۱۴ ینایر ۲۰۱۱)

احزاب و گروه‌های سیاسی نیز همبستگی خود را با جنبش مردمی اعلام کردند، اما ملاحظه می‌شود که نقش آن‌ها تابعی از نقشی است که جوانان ایفا کردند. برخی معتقد بودند نقش احزاب و نیروهای سیاسی، تلاشی برای سوارشدن بر امواج اعتراضات مردمی و مصادره آن به نفع خودشان بود. از نیروهای دیگر که در این خیزش نقش عمده‌ای داشت «اتحادیه مشاغل»

است که تنها سازمان کارگری تونس بود. در شروع اعتراضات خودجوش مردمی اتحادیه کارگری اعلام همبستگی کرد که این اقدام موجب تشویق احزاب و سندیکاهای حرفه‌ای و سازمان‌های حقوق بشری برای پیوستن به مردم شد. (شحاته و وحید، ۱۳۹۰: ۱۲۰)

اما در ادامه، احزاب و گروه‌هایی چون النهضه، حزب المؤتمر من اجل الجمهوریه (حزب چپ‌گرای ملی عربی) و حزب التکتل الیمقراتی من اجل العمل و الحریات (حزب چپ‌گرای میانه) و گروه‌هایی که حتی سکولار هم بودند وارد عمل شدند و توانستند بر این موج سوار شوند و با رهبری راشد‌الغنوشی، رئیس النهضه که تازه از تبعید بازگشته بود، جریان براندازی حکومت را به جلو ببرند.

ج- ایدئولوژی مقاومت

اولین خواسته مردم و جریان دموکراسی خواه حذف بن علی بود و شعارهایی مانند ارحل و (الشعب یرید اسقاط النظام) مبین آن بود. در حقیقت خواسته‌های متفاوت مانند اجرای شریعت اسلامی، آزادی سیاسی، عدالت و نفی فاصله طبقاتی با هدف مشترک، یعنی نفی رژیم به اتحاد تبدیل می‌شد و با وجود نبود یک ایدئولوژی وحدت‌بخش، اسلام سیاسی النهضه که روایت دموکراتیک‌تری از اسلام داشت در پر کردن این خلأ مؤثر بود. البته همچنان که گذشت، نتایج نظرسنجی مؤسسه پیو نیز نشان داد که مردم تونس خواستار روایتی از اسلام هستند که با دموکراسی توافق داشته باشد.

د- رهبری و سازمان‌دهی جنبش مقاومت

بی‌تردید ضعف رهبری خیزش مردم تونس در نیل به مطالبات و اهداف، حداقل در مرحله اولیه قابل مشاهده است. این جنبش تا مرحله فروپاشی رژیم غیردموکراتیک، رهبر محوری نداشته است و می‌توان ماهیت این جنبش مردمی را در تونس از نوع جنبش‌های اجتماعی کلاسیک دانست. آنچه مسلم است جوانان و سندیکاهای کارگری تا حد زیادی رهبران بسیج‌کننده در مرحله نخست نامید. احزاب دیگر مانند النهضه، حزب المؤتمر من اجل الجمهوریه (حزب چپ‌گرای ملی عربی) و حزب التکتل الیمقراتی من اجل العمل و الحریات (حزب چپ‌گرای میانه) به آن‌ها پیوستند، ولی در مرحله بعد می‌توان احزاب، به خصوص حزب النهضه و ندای تونس را به‌عنوان رهبر جنبش معرفی کرد. (احمدیان، ۱۳۹۰: ۶-۱۲)

۴. مرحله استقرار و تثبیت دموکراسی برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان و تشکیل دولت موقت:

بعد از فرار بن علی، باجی سید السیسی که به‌عنوان وزیر امور خارجه در دوران حبیب بورقبیه فعالیت می‌کرد، به‌عنوان نخست‌وزیر جدید تونس معرفی شد. السیسی که کابینه خود را «کابینه تکنوکرات‌ها» نامید، برگزاری انتخابات مجمع ملی مؤسسان تونس را در دستور کار خود قرار داد. مجلس مؤسسان تونس دو وظیفه اساسی را بر عهده داشت: تدوین قانون اساسی به‌عنوان چهارچوبی بلندمدت و دیگری اداره مرحله انتقالی و ایجاد نهادهای سیاسی و تعیین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر است که با همدیگر در چالش نیز قرار می‌گیرند. (طالبی ۱۳۹۱: ۲۴۸) انتخابات مجلس مؤسسان تونس ۲۳ اکتبر ۲۰۱۱، حدود ۱۰ ماه پس از پیروزی انقلاب تونس و سرنگونی رژیم دیکتاتوری بن علی و فرار او به عربستان سعودی با مشارکت گسترده مردم تونس در ۲۷ حوزه انتخابیه در داخل این کشور برگزار شد. مهم‌ترین وظیفه مجلس مؤسسان تونس تدوین قانون اساسی جدید «جمهوری دوم» در طول یک سال و ترسیم نقشه سیاسی آینده تونس بود تا فرصت برای برگزاری انتخابات مجلس و ریاست جمهوری فراهم شود. «النهضة» با ۴۱ درصد، «الموتمر» با ۱۳/۴ درصد، «العریضه الشعبیه» با ۱۲ درصد، «التکتل» با ۹/۲ درصد و «الدمیقراتی التقدیمی» با ۷/۴ درصد به ترتیب بیشترین کرسی‌ها را کسب کردند. انتخابات ۲۳ اکتبر ۲۰۱۱ برای مجلس مؤسسان، اولین انتخابات پس از سال ۱۹۶۵ بود. (ایرنا ۱۳۹۰/۸/۲۳)

تشکیل دولت ائتلافی

پس از پیروزی نسبی جنبش اسلامی النهضه با کسب ۹۰ کرسی از مجموع ۲۱۷ کرسی مجلس مؤسسان، این جنبش مأمور تشکیل کابینه شد و برای تشکیل دولت با «حزب المؤتمر من اجل الجمهوریه» (حزب چپ‌گرای ملی عربی) و «حزب التکتل الدمیقراتی من اجل العمل و الحریات» (حزب چپ‌گرای میانه) ائتلافی را تشکیل داد. طبق توافق احزاب پیروز در انتخابات ریاست جمهوری، «منصف المرزوقی»، رئیس حزب «کنگره برای جمهوری»، عهده‌دار پست ریاست جمهوری و «حمادی الجبالی»، مرد شماره ۲ حزب النهضه، عهده‌دار مقام نخست‌وزیری و «مصطفی بن جعفر» از حزب چپ‌گرای میانه، رئیس پارلمان شد و از مجلس مؤسسان تونس رأی اعتماد گرفتند. (احمدیان، ۱۳۹۰: ۲۰) اما دولت نوپای تونس پس از یک سال به دلیل مشکلاتی که برایش پیش آمد، هدف اعتراض و شورش علیه دولت قرار گرفت.

مشکلات و چالش‌های دولت انتقالی شامل موارد زیر بود:

- کشمکش میان احزاب چپ و سکولار با حزب حاکم و دولت ائتلافی به رهبری جنبش اسلام‌گرای النهضه تونس که با ترور شگری بلعید و محمد براهیمی، از سردمداران حزب چپ‌گرایان، این روند تشدید شد؛
 - تشکیل جنبش تمرد جوانان و به راه افتادن اعتراضات خیابانی و شورش‌ها و اعلام ناتوانی دولت در کنترل ناامنی و تصدی امور؛
 - تعطیل شدن مجلس مؤسسان به مدت ۵ ماه و متوقف ماندن وظیفه اصلی مجلس، یعنی تدوین قانون اساسی؛
 - ناتوانی دولت در پاسخگویی به مطالبات اقتصادی، کاستن از مشکلات بیکاری و فقر، محرومیت‌زدایی از مناطق فقیر و عقب‌نگه‌داشته شده در دوران دیکتاتور پیشین؛
 - وجود تندروهای سلفی و ناامن شدن اوضاع داخلی؛
 - فشارهای خارجی و دخالت‌های کشورهایمانند فرانسه و امریکا.
- اولویت قائل شدن النهضه برای جان و مال و ثبات تونس به‌جای منافع حزبی باعث خروج داوطلبانه از قدرت شد. النهضه معتقد بود که از طریق مصالحه با گروه‌های مخالف، موجب جلوگیری از تکرار سرنوشت اخوان‌المسلمین و انقلاب مصر برای انقلاب خود شده است. حزب اسلام‌گرای النهضه درحالی‌که در انتخابات سال ۲۰۱۱ حائز اکثریت شد و حق معرفی نخست‌وزیر را داشت، از حق خود انصراف داد و پذیرفت علی‌العریض، نخست‌وزیر اسلام‌گرای تونس، پس از تصویب قانون اساسی جدید از سمت خود کناره‌گیری کند تا به‌زعم خود، هم جلسات مجمع ملی مؤسسان مجدداً از سر گرفته شود و هم از شدت گرفتن ناامنی‌ها که به کشته و زخمی شدن صدها شهروند تونسی منجر می‌شد، جلوگیری کند و انقلاب تونس نیز همانند انقلاب مصر در مسیر بازگشت به گذشته قرار نگیرد. البته به‌نوعی النهضه توانست خود را از عواقب وضعیت بد اقتصادی تونس و پاسخ‌گویی به مردم نیز نجات دهد. (8, Gulf news, January 2014- 1-4) بدین‌صورت زمام امور را به مهدی جمعه که وزیر صنایع سابق تونس و فردی معتدل و موردپذیرش بسیاری از احزاب بود، سپرد.

تدوین قانون اساسی

تردیدی نیست که تدوین و تصویب قانون اساسی جدید مهم‌ترین اقدام انقلابیون در کشورهای عربی است، زیرا این قانون اساسی است که شکل حکومت، مبنای قانون‌گذاری و حقوق مردم و دولت را مشخص می‌کند و درعین‌حال مقدمه تشکیل پارلمان و دولت جدید نیز هست. در تونس، مجمع ملی مؤسسان درحالی‌که یک سال، یعنی تا پایان سال ۲۰۱۲، فرصت داشت تا قانون اساسی جدید و دائمی این کشور را تهیه کند؛ در عمل به علت اختلاف‌های سیاسی، به‌ویژه میان اسلام‌گرایان و سکولارها، شدت گرفتن خشونت و ناامنی و دخالت بازیگران

خارجی چنین نشد. درحالی‌که در ژوئن سال ۲۰۱۳ مصطفی بن جعفر، رئیس مجمع ملی مؤسسان تونس، پیش‌نویس قانون اساسی جدید این کشور را امضا و دولت تونس از این اقدام به‌عنوان نهایی شدن پیش‌نویس قانون اساسی جدید یادکرد، اما تا پایان سال ۲۰۱۳ این قانون نهایی نشد و تونس همچنان از داشتن قانون اساسی جدید محروم بود. (3: 2014, Gharibi)

در قانون اساسی جدید، «اسلام» دین رسمی کشور معرفی شده است، با این حال فعالیت سیاسی در نهادهای مذهبی ممنوع شده، حقوق زنان و آزادی دیگر ادیان و مذاهب و به‌طورکلی حق آزادی برپایی مناسک دینی در این قانون تضمین شده است. بر اساس گزارش‌ها، اجماع بر سر متن قانون اساسی زمانی حاصل شد که حزب اسلام‌گرای حاکم «النهضة» در چندین مورد از اصرار بر ارجاع به قوانین شریعت در مواد قانون اساسی دست برداشت و با نیروهای سکولار مصالحه کرد. به اعتقاد ناظران، قانون اساسی جدید تونس نیز علاوه بر اینکه پایه‌ای برای توسعه دموکراتیک این کشور خواهد بود، نقشی راهگشا در جهان عرب برعهده خواهد داشت. بان‌کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد، تصویب قانون اساسی جدید تونس را «نقطه عطف تاریخی» نامید و گفت که مردم تونس می‌توانند برای دیگر ملت‌های عرب منطقه که خواستار اصلاحات هستند، «الگو» شوند. دبیرکل سازمان ملل متحد مقام‌های مسئول در تونس را فراخواند تا اطمینان دهند که دیگر گام‌های دوران انتقالی نیز در این کشور، «صلح‌آمیز و شفاف» برداشته خواهند شد. (روزنامه اعتماد، ۱۳۹۲/۱۱/۸)

حقیقت آن است که اسلام‌گرایان با وجود توفیق در انتخابات و کسب بیشترین کرسی مجلس مؤسسان در تدوین این قانون به خواسته خود نرسیدند. در قانون اساسی تونس که در بهمن ۹۲ تصویب شد، شکل حکومت این کشور، جمهوری بر اساس حاکمیت قانون و اسلام نیز به‌عنوان دین اصلی آن معرفی شده است که هیچ‌کدام از این دو بند قابل اصلاح نیستند. نکته مهم در این بند از قانون اساسی تونس این است که جریان اسلام‌گرا اجازه ندارد شریعت اسلامی را به‌عنوان منبع قانون‌گذاری معرفی کند. به‌عبارت‌دیگر، تونس اولین کشور عربی است که با وجود اکثریت اسلام‌گرایان در مجمع ملی مؤسسان، شریعت اسلام را به‌عنوان مبنای قانون‌گذاری در قانون اساسی قرار نداده است و تنها دولت موظف شد از شریعت اسلام پاسداری کند و نسبت به حفاظت از مقدسات کوشا باشد. یکی دیگر از مهم‌ترین فصول قانون اساسی تونس که جنجال زیادی نیز بر پا کرد مربوط به «تکفیر» است. مجمع ملی مؤسسان تونس فصلی از قانون اساسی را تصویب کرد که به‌موجب آن «تشویق به خشونت و نیز حکم به تکفیر» را جرم تلقی می‌کند، اما این قانون دست‌کم اصل تفکیک و استقلال قوا را به رسمیت می‌شناسد. در این قانون، حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی مدنظر قرار گرفته است. دیگر نه از قوانین استبدادی دوران «بن علی» خبری هست و نه مردم برای انجام فرایض دینی خود و رفتن به مسجد نیاز به مجوز

دارند. با وجود عقب‌نشینی‌های النهضه، اما «اصول کلی» شریعت اسلامی نیز مبنای تقنین قوانین قرار گرفته است. (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۱۱/۲۷)

یکی دیگر از بندهای مهم قانون اساسی جدید تونس این است که نیروهای ارتش و پلیس را ملزم می‌کند نسبت به احزاب سیاسی بی‌طرف باشند. در فصل ۱۷ قانون اساسی تونس به صراحت بیان شد که «ارتش ملی یک ارتش همگانی است و آن نیرویی است مسلح و نظامی که مبتنی بر انضباط بوده و طبق قانون تشکیل شده و عهده‌دار دفاع از وطن و استقلال و تمامیت ارضی آن است و ملزم به بی‌طرفی کامل است. ارتش ملی پشتیبان نیروهای مدنی طبق قانون است.» (سایت خبری برهان، ۱۳۹۲/۱۱/۱۲) در این قانون برابری حقوق زن و مرد به رسمیت شناخته شده است. می‌توان گفت با تدبیر اسلام‌گرایانی مانند راشد الغنوشی، اگرچه ابعاد دموکراتیک قانون اساسی جدید پررنگ‌تر شد و سکولارها را راضی‌تر کرد، اما از حذف اسلام‌گرایان مانند آنچه در مصر بعد از سقوط محمد مرسی اتفاق افتاد نیز جلوگیری شد.

برگزاری انتخابات بر اساس قانون اساسی: استقرار دموکراسی حداقلی

با برگزاری انتخابات پارلمانی بر مبنای قانون اساسی جدید حزب ندای تونس با کنار زدن رقیب اصلی خود، حزب النهضه، توانست به پیروزی برسد. حزب ندای تونس ۸۵ کرسی از ۲۱۷ کرسی مجلس نمایندگان این کشور و حزب النهضه نیز ۶۹ کرسی را از آن خود کرد. حزب «اتحاد میهنی آزاد»، به رهبری سلیم ریاحی، بازرگان و رئیس باشگاه افریقایی، یکی از باشگاه‌های مهم تونس، با کسب ۱۶ کرسی در ردیف سوم قرار گرفت و پس از آن حزب چپ‌گرای «جبهه مردمی» نیز ۱۵ کرسی مجلس نمایندگان این کشور را به دست آورد. حزب ندای تونس، تشکلی است که در آن چپ‌گراها، راست میانه و همچنین مخالفان و هواداران رژیم بن علی حضور دارند و به شدت مخالف اسلام‌گراهای النهضه است. (واحد مرکزی خبر، ۱۳۹۳/۰۸/۸) اما این حزب در عمل چاره‌ای جز ائتلاف با النهضه ندید و کوشید با کوتاه آمدن از مواضع ضداسلامی خود به نوعی مصاحبه با النهضه تن دهد. البته برخی تحلیل‌گران معتقدند نخبگان به قدرت رسیده تونس بیشتر نسل سیاست‌مداران دوران بورقیه هستند. (مارینا اوتاوی و بگه ۹۳/۱۰/۴) و از این نظر افرادی با سابقه طولانی در فضای سیاسی تونس به قدرت بازگشته‌اند، اما با تفکر و مشی نسبتاً متفاوت. این امر دامنه تغییرات در تونس را کم می‌کند. این واقعیت در انتخابات ریاست جمهوری نیز تداوم یافت. در انتخابات هشتم دی‌ماه ۹۳، السیسی نامزد حزب سکولار «ندای تونس» را با کسب ۵۵ و ۶۸ دهم درصد آرا پیروز انتخابات ریاست جمهوری شد. «منصف مرزوقی»، رئیس‌جمهوری موقت این کشور و رقیب السیسی در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری نیز ۴۴ و ۳۲ دهم درصد آرا را به دست آورد. (ایرنا، ۱۳۹۳/۱۰/۹)

به جز حزب ندای تونس و النهضة، دیگر احزاب فعال تونس عبارت‌اند از: ۱. سازمان دموکرات‌های سوسیالیستی (ام‌دی‌اس) که عمدتاً در شمال و مرکز کشور هواخواه دارد؛ ۲. حزب واحد خلقی (پی‌یو‌پی) که اغلب در مناطق مرکزی و جنوبی تشکیلات گسترده دارد؛ ۳. حزب دموکراسی و پیشرفت (پی‌دی‌پی) که اغلب از مردم تونس خاوری و عرب‌های ناسیونالیست متشکل شده‌اند؛ ۴. حزب آزادی اجتماعی (پی‌اس‌ال)؛ ۵. اتحادیه دموکرات‌های واحد (یو‌دی‌یو)؛ ۶. جنبش جدید (ام‌ای)؛ ۷. ساختار یا سازمان دموکراسی برای کار و آزادی (اف‌دی‌تی‌ال)؛ ۸. حزب سبز پیشرفت (پی‌فی‌پی) که اغلب در مناطق باختری، خاوری، اپاختری و شمالی پایگاه و جایگاه دارند. هواخواهان آن‌ها بر بنیاد مناطق و تبارها ایجاد شده‌اند؛ و ۹. حزب النهضة که از باسابقه‌ترین احزاب اسلامی محسوب می‌شود و در نقاط مختلف تونس هوادار دارد. (مفید، ۲۰۱۲)

با این توضیحات مشخص شد که تونس اکنون در مرحله استقرار دموکراسی حداقلی قرار دارد و برای رسیدن به دموکراسی حداکثری راه درازی در پیش دارد که البته برای این مرحله، یعنی تحکیم روند دموکراسی باید بر تکوین نظام حزبی خود تکیه کند، زیرا قوت مشروعیت و اجماع همراه با کنترل و تکوین نظام حزبی ممکن است پازل دموکراسی را تکمیل کند.

نتیجه‌گیری

تونس احتمالاً تنها کشوری است که در مسیر تحولات سالیان اخیر جهان عرب که به بهار عربی یا موج تازه دموکراسی و نیز بیداری اسلامی معروف شد، امکان گذار به دموکراسی حداقلی را یافته است. این مقاله کوشید با روش توصیفی و تحلیلی و با کاربست معادله زمینه‌ها و عوامل گذار به دموکراسی شامل بحران‌های رژیم غیردموکراتیک و نیز ظرفیت‌های جریان دموکراسی‌خواه در تونس، به بررسی چگونگی این گذار در سطح فروپاشی نظام غیردموکراتیک و سطح استقرار دموکراسی پرداخته، وضعیت آغازین حرکت به سمت تحکیم دموکراسی در تونس را نشان دهد. تحکیم دموکراسی یا تحقق دموکراسی حداکثری نیازمند زمان بیشتری است. درحقیقت، توسعه اقتصادی تونس و پیشرفت فرهنگی کشور درگرو توسعه سیاسی است و گذار به دموکراسی، بحران اقتصادی را کاهش می‌دهد. تونس بعد از همراهی ارتش با مردم در فرایند فروپاشی رژیم غیردموکراتیک، گام بلندی برای استقرار دموکراسی نسبی برداشت. در ادامه، همچنان که اثر سرایتی جنبش مردم تونس، بروز جنبش مردم مصر، یمن و بحرین را موجب شد، تحولات مصر در تقابل نسبی سکولارها اعم از اقتدارگرایان و لیبرال‌ها با جریان دولت اخوانی به گونه‌ای به تونس نیز که خود در این خیزش‌ها پیشگام بود، تأثیر گذارد. نگاهی به رویکرد جنبش النهضة در مقایسه با اخوان المسلمین مصر نشان می‌دهد که ایجاد هم‌زیستی میان ارزش‌های اسلامی و دموکراتیک در تونس، راه بازگشت اقتدارگرایی را مسدود کرد.

اگرچه قانون اساسی جدید تونس نه کاملاً گویای تحقق بیداری اسلامی و نه بهار عربی در تونس است، اما می‌توان در این نکته پای فشرد که اسلام و دموکراسی هر دو خواست مردم تونس است و یافته‌های نظرسنجی‌های مؤسسه پیو نیز بر آن صحنه گذاشت. تبلور این خواست در قانون اساسی جدید تونس شکلی از گذار به دموکراسی را نشان می‌دهد که ضمن تأکید بر ابعاد دموکراسی به‌منزله روش، سویه‌های فرهنگ اسلامی را نیز در ترسیم هویت جمعی مردم تونس به رسمیت شناخته است و این امر شاید بتواند با تحقق کارآمدی و رسیدن به اقتصاد قوی، تجربه نسبی موفق را در تحقق گفتمان سیاسی جدید در جهان عرب در کشور کوچک تونس به نمایش بگذارد. البته این امر به‌منزله پایان گذار به دموکراسی نیست. می‌توان گفت تونس در مرحله فروپاشی رژیم غیردموکراتیک و استقرار ساختارهای دموکراسی نسبتاً موفق بوده است، اما تا تحکیم دموکراسی و حداکثری شدن آن، راه درازی در پیش دارد. این امر مستلزم پویایی و چرخش نخبگان و پرورش نسل جدید نخبگان در تونس، تداوم دموکراسی‌خواهی در توده‌ها و نخبگان، بی‌طرفی ارتش، مهار جنبش‌های افراطی و تقدم اولویت‌های ملی بر حزبی، ریشه دواندن ارزش‌های دموکراسی و نیز مهار افراط‌گرایی و عقلانیت سیاسی رهبران جدید تونس است. به نظر می‌رسد همکاری جریان اسلام‌گرای النهضه با گروه‌های سکولار که در تشکیل دولت و کمک به تثبیت وضعیت سیاسی در تونس کمک شایانی کرد، امید به حرکت در مسیر تحکیم دموکراسی را در تونس افزایش داده است.

کتاب‌نامه

الف- کتاب

۱. افتخاری، اصغر، (۱۳۹۱)، بیداری اسلامی در نظریه و عمل؛ بیداری اسلامی یا انقلاب عربی؟ رویکردی اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ اول.
۲. بشیریه، حسین، (۱۳۸۴)، گذار به دموکراسی، تهران: نشر نگاه معاصر، چاپ اول.
۳. بشیریه، حسین، (۱۳۸۷)، گذار به دموکراسی (مباحث نظری)، تهران: نشر نگاه معاصر، چاپ سوم.
۴. بروکر، پل، (۱۳۸۳)، رژیم‌های غیردموکراتیک، ترجمه علیرضا سمیعی اصفهانی، تهران: نشر کویر، چاپ اول.
۵. دینا، شحاته؛ وحید، مریم، (۱۳۹۰)، بیداری اسلامی، ریشه‌ها و روندها؛ عوامل دگرگونی در جهان عرب، مترجم محمدرضا بلوردی، تهران: بی‌نا، چاپ اول.
۶. عجم‌اوغلو، دارون؛ رابینسن، جیمز، (۱۳۹۰)، ریشه‌های اقتصادی دیکتاتوری و دموکراسی، ترجمه جعفر خیرخواهان و علی سرزعی، تهران: انتشارات کویر، چاپ اول.

۷. فاضلی، محمد، (۱۳۸۹)، بنیان‌های ساختاری تحکیم دموکراسی تجربه دموکراسی در ایران، ترکیه و کره جنوبی، تهران: انتشارات کندوکاو، چاپ یکم.
۸. مرکز الاستشارات و البحوث، (۱۳۸۸)، رویارویی نظام حکومتی و احزاب سیاسی در تونس، ترجمه ابوالفضل تقی‌پور و صغرا روستایی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، چاپ اول.

ب- مقالات

۹. احمدیان، حسن، (۱۳۹۰/۲/۱۳)، «تحولات تونس، زمینه‌ها و پیامدها»، سایت فصلنامه‌های پژوهشکده مطالعات راهبردی، تاریخ بازدید: ۹۲/۸/۱۲
<http://www.isrjournals.ir/>
۱۰. برزگر، کیهان، (۱۳۸۱)، «تونس در دوران بن علی، تلاش در جهت گذار از دوران سنتی به دوران مدرن»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، سال نهم، شماره ۱، صص ۴۹-۸۰
۱۱. ذوالفقاری، مهدی، (۱۳۹۰)، «بیداری اسلامی، ریشه‌ها و روندها»، دبیرخانه اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، تهران: بی‌نا، صص ۱۷۰
۱۲. صبری، انوشه، (۱۳۸۸) «اهمیت منطقه غرب افریقا در سیاست افریقایی رژیم صهیونیستی»، فصلنامه مطالعات افریقا، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، شماره ۲۰، ۴۰ صفحه، صص از ۱۶۵ تا ۲۰۴
۱۳. طالبی، معصومه و دیگران، (۱۳۹۱)، بررسی تحلیلی رویدادهای سیاسی - اقتصادی، امنیتی تونس در سال ۲۰۱۱، مجله بین‌المللی مطالعات صلح و امنیت «دیپلماسی صلح عادلانه (مجموعه مقالات)»، تهران، انتشارات مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، شماره ۶، بهار ۱۳۹۱، صص: ۲۳۱-۲۵۴
۱۴. عظیمی دولت‌آبادی، امیر؛ شجاعی زند، علیرضا؛ موثقی، سید احمد، (۱۳۹۳)، «نقد رویکرد دموکراتیزاسیون و قرائت آن از تغییرات سیاسی جهان عرب»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) سال سوم، شماره ۹، صص ۱۱-۳۴
۱۵. ماهنامه سیاسی - تحلیلی بیداری اسلامی (۱۳۹۲)، «اسلام‌گرایان، پیروز اولین انتخابات بیداری اسلامی؛ تونس و اولین گام دموکراسی»، تهران: بنیاد اندیشه اسلامی (وابسته به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی)، سال دوم، شماره ششم، صص ۲۹ - ۳۲
۱۶. مرادی، مجید، (۱۳۸۹)، «بازخوانی تاریخ و گفتمان اسلام سیاسی در تونس»، میثاق امین (فصلنامه اقوام و مذاهب)، قم: مؤسسه آموزشی، پژوهشی و فرهنگی یاران امین، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۲۱-۱۳۶

۱۷. مسعودنیا، حسین؛ سعیدی، ندا، (۱۳۹۱) «بررسی عوامل سقوط حسنی مبارک و چشم‌انداز تحولات کشور مصر»، دوفصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، سال هشتم، شماره اول (پیاپی ۱۵)، بهار و تابستان، ۱۹۴-۱۶۳

ج- اینترنتی

۱۸. اتاوی، مارینا، (۱۳۹۳/۱۰/۴) «بهار عربی در تونس نه بازنده داشت و نه برنده»، ترجمه طلا تسلیمی، تاریخ بازدید: ۱۳۹۳/۱۱/۵، لینک مطلب:

<http://irdiplomacy.ir/fa/page/1942314>

۱۹. ایرنا ۲۳ (۱۳۹۰/۸/۱) پرونده انتخابات مجلس موسسان تونس بسته شد
<http://www.irna.ir/fa/News/2000057689>

۲۰. ایرانا (۱۳۹۳/۱۰/۹)، «اعلام رسمی نتایج انتخابات ریاست جمهوری تونس»، تاریخ بازدید: ۱۳۹۳/۱۱/۳، لینک خبر:

[/http://www.irna.ir/fa/News/81443810](http://www.irna.ir/fa/News/81443810)

۲۱. عمادی، سید رضی، (۹۲/۱۱/۱۲)، «قانون اساسی تونس؛ غربی یا اسلامی؟»، پایگاه تحلیلی - تبیینی برهان، تاریخ بازدید: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵، لینک مطلب:

<http://borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=6407>

۲۲. جابر انصاری، حسین، (۱۳۹۲/۱۲/۱۵)، «تجربه متمایز تونس در انقلاب‌های عربی»، پایگاه تحلیلی دیپلماسی ایرانی، تاریخ بازدید: ۱۳۹۳/۱۱/۲، لینک مطلب:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1929517>

۲۳. جوآن لیدوم، آکرمن، (۱۳۹۳/۳/۱۱)، «تونس، داستان موفقیت‌آمیزی که هنوز تکمیل نشده است»، تاریخ بازدید: ۱۳۹۳/۱۱/۲، پایگاه اینترنتی روزنامه اماراتی «الاتحاد»، ترجمه توسط سرویس شفقنا،

<http://shafaqna.com/persian/articels/item/75621>

۲۴. مفید، حمیدالله، (۲۰۱۲)، «نقش احزاب در گسترش دموکراسی و فراهم‌سازی زمینه‌های بهتر هم‌زیستگاه مدنی»، پایگاه خبری بامداد، تاریخ بازدید: ۱۳۹۳/۱۰/۱۶، لینک خبر:

<http://www.bamdaad.org/didgah/686-2014-02-03-18-42-29.html>

۲۵. عشوری مقدم، محمدرضا، (۱۳۹۲/۱۱/۲۷)، «قانون اساسی جدید تونس؛ رفتار هوشمندانه اسلام‌گراها»، پایگاه خبری فارس، تاریخ بازدید: ۱۳۹۳/۵/۱۸، لینک خبر:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921127001399>

۲۶. روزنامه اعتماد، (۱۳۹۲/۱۱/۸)، «تصویب قانون اساسی جدید تونس»، سال یازدهم، شماره ۲۸۸۴، صفحه ۶ (جهان)، تاریخ بازدید: ۱۳۹۳/۴/۱۰، لینک مطلب:

magiran.com/n2892417

۲۷. عمادی، سید رضی، (۱۳۹۲)، «گام‌های تونس در مسیر ایجاد ثبات و همکاری»،
news.irib.ir

۲۸. وبگاه واحد مرکزی خبر (۱۳۹۳/۰۸/۸)، «نتایج انتخاباتی پارلمانی تونس»، تاریخ بازدید: ۱۳۹۳/۱۰/۲۵، لینک خبر:

<http://www.iribnews.ir/NewsBody.aspx?ID=59146>

د- منابع عربی

۲۹. مرکز الجزیره لدراسات (۲۰۱۱) «تونس: من اطاحه الرييس الى مرحله الانتقاليه»، موقع الجزيره ۱۸ يناير. آدرس سایت: <http://studies.aljazeera.net>، تاریخ بازدید: ۱۳۹۳/۱۰/۲۱
۳۰. سالم، البیض، (۲۰۱۰)، «الدوله و احزاب المعارضه القانونيه... آیه علاقه؟ حاله تونس»، المجله العربيه العلوم سياسيه، العدد ۲۷، صیف.
۳۱. شکری هبه، (۲۰۱۱)، «حرب الجاب حاله خاصه فی تونس»، www.tunisalmoslima.com، تاریخ بازدید: ۱۳۹۳/۱۰/۱۱
۳۲. جلال امین، (۲۰۱۱)، «کیف نفس - الثوره التونسيه؟»، www.shorouknews.com، تاریخ بازدید: ۱۳۹۳/۱۰/۲۳
۳۳. ۲۹ فبراير، (۲۰۱۱)، تونس: الاتفاق العام على التعليم، «کنسبه مئويه من مجموع الاتفاق الحكومى»، www.afaegypt.org، ۱۳۹۳/۱۱/۲۳
۳۴. مجدى الورفلى، (۲۰۱۱)، «فی ظل غياب التعطيه الاعلاميه ... فایسبوك وکاله انباء بديله»، جریده ایلاف الکترونيه، ۱۴ يناير. ۱۳۹۳/۱۰/۱۶

ه- انگلیسی

34. Freedom house(2010), **freedom in the world-Tunisia**, acceded in jan.23,2011: <http://www.freedomhouse.org>.
35. Ttransparency International (2010) “**Corruption Perception Index**”, Accessed in jan.20,2011,p.3
36. UNDP (2009), **arab human Development report: Challenges to Human Security in the Arab Countries**, New York: Reginalonal Bureau for Arab State,p.109).
37. <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ts.html>
38. Alexander, Christopher (2010). **Tunisia: stability and Reform in the Modern Maghreb**, Routledge.
39. Gulf news (8 January 2014), **Tunisia’s Islamists compromise to secure legacy**
40. Ghribi Asam (9 January 2014), **The Problem with Tunisia’s New Constitution**: <http://transitions.foreignpolicy.com/posts>
41. <http://www.pewforum.org/files/2012/08/the-worlds-muslims-full-report.pdf>